



Analyzing the Role of Practical Reputation in Strengthening the Hadith from the Perspective of ‘Allāma Majlisī (RA)

Sayyid Ali Delbari^{1✉} | Sayyid Mahdi Sayyidi² | Ali Asadian³ | Murtazaa Pazhoohandeh⁴

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: delbari@razavi.ac.ir

2. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: sedmahdi.17031@gmail.com

3. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: asadian6881@yahoo.com

4. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: pazhoohandeh1367@gmail.com

Article Info

Article Type: Research Article

Article History

Received 26-Apr-2022

Received in revised form 2-Mar-2023

Accepted 27-Jun-2023

Published online 5-Oct-2023

Keywords

practical reputation,
‘Allāma Majlisī (RA),
compensating the weakness of
hadith,
Mulādh al-Akhyār,
Biḥār al-Anwār,
Mir‘āt al-‘Uqūl.

ABSTRACT

Sunna is the second source of receiving rulings and doctrinal knowledge, and it is extremely necessary to protect this basic pillar in understanding religion and determining the effective components in validating traditions.

The history of hadith has witnessed a lot of research in the works of traditionists about the effective criteria in authenticating hadith. "Practical reputation" and its compensatory role regarding the weakness of hadiths is among the important criteria that has a significant contribution to this authentication.

Knowing the opinion and life history of great scholars regarding the influence of reputation in strengthening the hadith will be a very good guide in identifying the position of its issues. Accordingly, some research has been conducted in this field regarding the views of some jurists, including Vahid Behbahani and Imam Khomeini. With a descriptive-analytical method, the present article has taken a look at the role of practical reputation as a compensatory feature (jābiriyyat) for the weakness of hadiths in the works of ‘Allāma Majlisī (RA) such as "Biḥār al-Anwār", "Mulādh al-Akhyār" and "Mir‘āt al-‘Uqūl", a research which has been missing so far. The outcome of this research is to prove the valuable status of the practical reputation of the jurists in strengthening the hadith from the viewpoint of ‘Allāma Majlisī (RA), which is an approach based on following the method of the earlier companions.

Cite this article: Delbari, S. A., Sayyidi, S. M., Asadian, A., Pazhoohandeh, M. (2023). Analyzing the Role of Practical Reputation in Strengthening the Hadith from the Perspective of ‘Allāma Majlisī (RA). *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 56 (1), 85-101. DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2023.341931.669358>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2023.341931.669358>

پرتال جامع علوم انسانی



واکاوی نقش شهرت عملی در تقویت حدیث از دیدگاه علامه مجلسی (ره)

سید علی دلبری^۱ | سید مهدی سیدی^۲ | علی اسدیان^۳ | مرتضی پژوهنده^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: delbari@razavi.ac.ir

۲. دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: sedmahdi.17031@gmail.com

۳. دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: asadian6881@yahoo.com

۴. دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: pazhoohandeh1367@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ حدیث شاهد تحقیقات فراوانی در آثار دانشمندان، درباره معیارهای موثر در اعتباربخشی حدیث بوده است. «شهرت عملی» و نقش جبران‌کنندگی آن نسبت به ضعف احادیث از معیارهای مهمی است که سهم بسزایی در این اعتباربخشی دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

آگاهی از نظر و سیره عالمان بزرگ نسبت به تأثیر شهرت در تقویت حدیث، راهنمای بسیار خوبی در تشخیص جایگاه مسائل آن خواهد بود. بر این اساس در این زمینه تحقیقاتی نسبت به دیدگاه برخی از فقها از جمله وحید بهبهانی و امام خمینی انجام شده است. نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی با درنگی در آثار علامه مجلسی (ره) همچون «بحار الأنوار»، «ملاذ الأخیار» و «مرآة العقول»، نگاهی به نقش شهرت عملی در جابریت ضعف احادیث داشته است. برآیند این پژوهش، اثبات جایگاه ارزشمند شهرت عملی فقها در تقویت حدیث از نگاه علامه مجلسی (ره) است که این رویکرد مبتنی بر پیروی از روش قدامی اصحاب است.

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳

کلیدواژه‌ها:

شهرت عملی،

علامه مجلسی (ره)،

انجبار ضعف حدیث،

ملاذ الأخیار،

بحار الأنوار،

مرآة العقول.

استناد: دلبری، سید علی، سیدی، سید مهدی، اسدیان، علی، پژوهنده، مرتضی (۱۴۰۲). واکاوی نقش شهرت عملی در تقویت حدیث از دیدگاه علامه مجلسی (ره). فقه و

مبانی حقوق اسلامی، ۵۶ (۱)، ۸۵-۱۰۱.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.



DOI: <https://doi.org/10.22059/ijfi.2023.341931.669358>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سنت دومین منبع معتبر در کنار قرآن کریم، تبیین کننده کلیاتی است که پیرامون معارف دین از قرآن کریم صادر شده است. اثبات صحت حدیث از ارکان اعتماد آفرینی است که قبل از بهره‌گیری از محتوای آن باید بررسی شود. از جمله مباحثی که در صحت‌سنجی روایت، بسیار کاربردی است بحث‌های مرتبط با علم رجال است. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به دو مبنا در این زمینه اشاره کرد:

۱. حصول اطمینان به وثاقت راوی. (وثوق سندی)

۲. حصول اطمینان به صحت روایت. (وثوق صدور)

محور تأملات در دیدگاه اول، اشخاصی هستند که به عنوان راوی در سلسله سند حدیث قرار دارند که علم رجال عهده‌دار این مهم است. (سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۱۱) این در حالی است که در دیدگاه دوم تمام ملاک، در توثیق و تضعیف راویان خلاصه نمی‌شود بلکه علاوه بر آن محقق به دنبال قرائن مختلفی است که در صحت یا عدم صحت حدیث مؤثر است.

مشهور فقها به ویژه متقدمان طبق مبنای دوم مشی کرده (مظفر، ۲/۲۲۱؛ برزگر، ۱۰۰) تا جایی که از این روش به روش قدمایی تعبیر شده است. (حسینی، ۶۸-۷۴) در مقابل، برخی از علما از جمله آیت الله خویی بر رویه اول تأکید داشته‌اند. (خویی، مصباح الأصول، ۲/۴۴۳) در این بین طبق هر کدام از دو مبنا، ملاک‌هایی مطرح شده است که در نیل به وثاقت راوی یا پی بردن به صحت حدیث قابل تأمل است. برخی از این ملاک‌ها به صورت قرینه‌های عامی آشکار شده است که از آنها در نگاه راوی محور (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱/۴۹) به «توثیقات عام» و در نگاه قرینه‌محور به «قرائن صدور حدیث» تعبیر می‌شود.

یکی از این قرائن عام، «شهرت» به خصوص «شهرت عملی» در میان اصحاب است که در نگاه صدورهای جایگاه بالاتری نسبت به سندگرایان دارد و برخی با وجود آن نیاز به بررسی صحت و سقم تک تک راویان را نفی کرده‌اند. (سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۳۶) و استناد به شهرت را راهکار بهتری برای اطمینان نسبت به صدور یا عدم صدور حدیث از معصوم (ع) دانسته‌اند و برخی دیگر با وجود چنین قرینه‌ای نیاز به بررسی‌های رجالی را بسیار کم تلقی کرده‌اند. (خویی، مصباح الأصول، ۲/۴۴۳)

مطالب فراوانی پیرامون این بحث در میان کسانی که به مباحث رجالی پرداخته‌اند مطرح شده است؛ از قبیل اشاره به دلایلیت شهرت در اثبات صدور حدیث در کتاب «الذکری»، (شهید اول، ۵۲/۱) تا نفی این دلایلیت در نظر آیت الله خویی؛ (خویی، مصباح الأصول، ۲/۴۴۳) از تفصیل در اعتبار شهرت از این حیث که از جانب متقدمان باشد یا متأخران به این معنی که شهرت متقدمان حجت باشد، ولی شهرت متأخران حجت نباشد (سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ۱۶۰) تا تفصیل

دیگر. امروزه نیز پژوهش‌های فراوانی با رویکردهای مختلف در این زمینه نگارش یافته‌است. به نظر می‌رسد از کارهای شایسته‌ای که در این زمینه صورت گرفته بررسی شهرت در نگاه بزرگان علما است که می‌توان به دو پژوهش «حجیت شهرت فتوایی قدما با رویکردی به آرای امام خمینی» (بهرامی نژاد و موسوی بجنوردی، ۷۳-۹۶) و «شهرت و جبران ضعف سند: نگاهی به دیدگاه وحید بهبهانی» (باقری، ۲۱۳-۲۳۰) اشاره کرد.

علامه مجلسی به عنوان یکی از محدثان شناخته شده تاریخ اسلام نیز نسبت به جایگاه شهرت دارای دیدگاه‌های متمایز و قابل مطالعه‌است. وی یکی از کسانی است که می‌توان از مبانی فکری‌اش در رهیافتی درست نسبت به جایگاه شهرت به خصوص شهرت عملی استفاده کرد. بر این اساس، این مختصر به دنبال تحلیل و بررسی دیدگاه علامه مجلسی نسبت به «شهرت عملی» خواهد بود که با توجه به نبود کتابی مدوّن در تنقیح اینگونه دیدگاه‌ها از سوی ایشان، لازم است این مطلب را در خلال مباحث مطرح شده توسط این عالم جلیل‌القدر در کتب حدیثی‌اش از جمله «ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار»، «مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول» و «بحار الأنوار» پیگیری نماییم. البته نباید در این محدوده توقف کرد و جا دارد که در سایر آثار ایشان و آثار دیگر بزرگان به کنکاش این مسأله پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی

شهرت: ظهور و شیوع یک چیز به گونه‌ای که برای مردم آشکار باشد. فراهیدی چنین می‌نویسد: «الشّهرة: طُهُورُ الشَّيْءِ فِي شُعْبَةٍ حَتَّى يَشْهَرَهُ النَّاسُ». (فراهیدی، ۴۰۰/۳) بر این اساس عبارت «شَهْرَ سَيْفَهُ» یعنی شمشیرش را از غلاف بیرون کشید و آشکار کرد. (طریحی، ۳۵۷/۳) در اصطلاح اصولی و حدیثی، معنای شهرت همسو با معنای لغوی بوده و عبارت است از شیوع یک امر دینی بین مسلمانان و لو اینکه این شیوع بین عده خاصی از ایشان اتفاق افتد. (مشکینی، ۱۵۵) و به گفته برخی، معروف شدن مطلبی بین علما را شهرت می‌نامند. (شهید اول، ۴۸/۱)

۲. گونه‌های شهرت

شهرت در یک تقسیم‌بندی به اعتبار متعلق آن به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱. روایی: حدیثی که راویان آن زیاد باشد اما به حد تواتر نرسیده باشد. (مظفر، ۱۴۵/۲)
۲. عملی: شیوع عمل و فتوای فقها نسبت به یک روایت. (نائینی، ۱۵۳/۳)
۳. فتوایی: کثرت یک فتوا در میان فقها بدون اینکه مستند روایی آن معلوم باشد. (نائینی،

(۱۵۳/۳)

۳. شهرت عملی و دیدگاهها

دیدگاه علما در جایگاه و حجیت شهرت عملی متفاوت است که می‌توان به نظریات مشهور میان فقیهان اشاره کرد:

۳-۱. اعتبار بخشی عمل مشهور برای حدیث

برخی علما با تکیه بر سیره عقلا در قبول خبر که ملاک آن حصول اطمینان به صدور حدیث است، عمل مشهور را به عنوان قرینه‌ای اعتبارزا به شمار آورده‌اند. در این دیدگاه همانطور که نقل فرد موثق، قرینه‌ای بر صدور حدیث است، عمل اصحاب نیز می‌تواند چنین نقشی داشته باشد اگرچه آن روایت از حیث سند ضعیف باشد.

محقق حلی بعد از اشاره به حجیت خبر متواتر نسبت به حجیت خبر واحد می‌نویسد: «و کذا ما أُجْمِعُ عَلَى الْعَمَلِ بِهِ» (محقق حلی، المعتبر فی شرح المختصر، ۲۹/۱)؛ همچنین روایتی که بر عمل به آن اجماع شده است. و نیز ایشان بعد از تقد برخی دیدگاهها می‌نویسد: «فَمَا قَبْلَهُ الْأَصْحَابُ أَوْ دَلَّتِ الْقُرَائِنُ عَلَى صِحَّتِهِ عُمَلٍ بِهِ»؛ به روایتی که فقها قبول کرده‌اند یا قرائن دلالت بر صحتش می‌کند عمل می‌شود. در نتیجه از این منظر صحبت از انجبار ضعف حدیث نیست، بلکه خود شهرت به حدیث اعتبار می‌بخشد. به عبارت دیگر در این رویکرد بر خلاف دیدگاه سند محور، ابتدا به روایت برجسب ضعف نمی‌زند تا در ادامه به کمک قرائن به دنبال انجبار آن ضعف باشند بلکه ابتدا قرائن مؤثر در وثوق به صدور حدیث بررسی می‌شود و در نهایت معلوم می‌شود که حدیث معتبر است یا خیر. حصول این اعتبار بر مبنای اطمینان به روایت است که این اطمینان نیز گاهی به قرینه وثاقت راوی و گاهی به عمل اصحاب یا هر قرینه معتبر دیگری به دست می‌آید.

۳-۲. انجبار ضعف حدیث با شهرت عملی

جبران‌کنندگی و حجیت بخشی شهرت عملی نسبت به ضعف سند، دیدگاهی معروف میان فقهای امامیه است. آیت الله خویی اگرچه معتقد به جابریت شهرت نیست، اما از معروفیت این نظر در میان فقها خبر داده و می‌نویسد: «فَعَلَى الْمَعْرُوفِ مِنْ أَنَّ عَمَلَ الْمَشْهُورِ بِالْخَبَرِ الضَّعِيفِ يَكُونُ جَابِرًا لِضَعْفِ سَنَدِهِ»؛ (هاشمی شاهرودی، ۴/۴۲۶) بنابر آنچه معروف است عمل مشهور به خبر ضعیف، جبران‌کننده ضعف سند آن است.

۳-۳. عدم انجبار ضعف حدیث با شهرت عملی

برخی علما جایگاهی برای شهرت عملی در انجبار حدیث قائل نشده‌اند. آیت الله خویی از کسانی است که چنین دیدگاهی دارد. ایشان می‌نویسد: «وَرُبَّمَا يَتَوَهَّمُ أَنْجِبَارُ ضَعْفِهَا بِعَمَلِ الْمَشْهُورِ إِلَّا أَنَّهُ مَدْفُوعٌ لِكُونِهِ فَايَسِدًا كِبْرِيًّا وَصَغْرِيًّا»؛ (خویی، مصباح الفقاهة، ۱/۱۹) چه بسا توهم شود که ضعف روایت با عمل مشهور جبران می‌شود ولی این توهم مردود است چون هم از جهت کبری و هم صغری مشکل دارد.

۴. علامه مجلسی و شهرت عملی

دیدگاه علامه مجلسی نسبت به جایگاه شهرت عملی در تقویت حدیث، با توجه به اینکه طبق ظاهر در تألیفی مدون به صورت جداگانه تبیین نشده، شایسته است با تأمل نسبت به عملکرد ایشان در شرح و توضیحاتی که نسبت به روایات بیان فرموده‌اند یا مطالبی که در تبیین برخی مبانی خود به آن اشاره کرده‌اند واکاوی شود. کنار هم قرار گرفتن مطالبی که در ادامه پیگیری می‌شود، می‌تواند نمایی از دیدگاه علامه به نقش شهرت در تقویت روایت را در اختیار ما قرار دهد.

۴-۱. مواجهه نظری علامه پیرامون «شهرت عملی»

علامه مجلسی شرحی بر کتاب «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی دارد که با نام «ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار» شناخته می‌شود. ایشان که در این کتاب به بررسی سندی روایات «تهذیب الأحکام» با معیار متأخران و توضیح و تبیین مطالب آن پرداخته به پیروی خود از روش متقدمان در اعتبارسنجی حدیث اشاره کرده است که این مطلب اهمیت نقش قرائن در دیدگاه علامه را نمایان می‌سازد.

ایشان بعد از اشاره به گفتار شیخ بهایی که دلیل کنارگیری متأخران از روش اعتبارسنجی قدما را فاصله افتادن از دوران متقدمان و عدم امکان دسترسی متأخران به قرائن اعتمادآوری که در اختیار قدما بوده است می‌داند، (مشرق الشمسین، ۳۰) به نقد سخن شیخ پرداخته که عبارت وی نشان دهنده نگاه علامه به شیوه اعتبارسنجی احادیث است. (مختاری، ۱۸۱-۱۸۹)

علامه در نقد استاد خود می‌نویسد:

«ما أفاده من الإعتذار لهم بقوت كثير من القرائن وإن كان حقاً، لكن لم يفت جميع تلك الأمور. وقد أخذ الصدوقان -رضي الله عنهما- الأخبار من تلك الأصول المعتبرة و شهدا في كتابيهما بصحتها و لعل شهادتهما لا تقصر عن شهادة أصحاب الرجال بعدالة الرواة و يفتهم» (مجلسی، ملاذ الأخبار، ۲۶/۱)؛ عذرهایی که ایشان نسبت به از بین رفتن بسیاری از قرائن مطرح فرموده‌اند اگرچه فی الجمله درست است اما اینگونه نیست که تمام این قرائن از بین رفته باشد. شیخ صدوق و پدرش روایات را از اصول معتبری گرفته‌اند و در کتاب‌های خود به صحت آنها شهادت داده‌اند و چه بسا ارزش شهادت ایشان کمتر از گواهی رجالیان به عدالت و وثاقت راوی نباشد.

ایشان در ادامه به اینکه محدثان متقدم احادیث را از اصول معتبری گرفته‌اند که برای آنها تواتر هم‌چون تواتر کتب اربعه نزد ما دارد و اگرچه به اختصار، اسنادی هم نقل کرده‌اند اما اعتبار احادیث صرفاً مبتنی بر کیفیت این اسناد نیست و ضعف و قوت سند، بیشتر در بحث تعارض احادیث جایگاه می‌یابد به این دلیل که عمل به آنچه قوی‌تر است اولویت دارد، اشاره کرده می‌نویسد:

«و الذي يقوى عندي و أوردت دلائله في الكتاب الكبير هو أن جميع الأخبار الموردة في تلك الأصول الأربعة و غيرها من تأليفات الصدوق و البرقي و الصغار و الحميري و الشيخ و المفيد و ما تيسر لنا (بحمد الله) من الأصول المعتبرة المذكورة في كتب الرجال و قد أدخلت أخبارها في كتاب البحار

کَلِّهَا مَوْرَدَ الْعَمَلِ وَأَقْوَى مِنَ الْأَصُولِ الْعَقْلِيَّةِ وَالْإِسْتِحْسَانَاتِ وَالْقِيَاسَاتِ الْمُتَدَاوِلَةَ بَيْنَ بَعْضِ الْمُتَأَخِّرِينَ مِنَ الْأَصْحَابِ. لَكِنْ لَا بُدَّ مِنْ رِعَايَةِ أحوالِ الرِّجَالِ عِنْدَ الْجَمْعِ بَيْنَ الْأَخْبَارِ وَالتَّعَارُضِ بَيْنَهَا» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۲۶/۱)؛ آنچه در نظر من استحکام ویژه‌ای دارد و دلایل آن را در کتاب کبیر-بحار الأنوار- آورده‌ام این است که همه اخبار وارده در آن اصول اربعه و غیر آنها از تألیفات شیخ صدوق، برقی، صفار، حمیری، شیخ طوسی، شیخ مفید و آنچه-بحمدالله- از اصول معتبر و مذکور در کتب رجال به ما رسیده و اخبار آنها را در کتاب بحار الأنوار آورده‌ام، تمام آن مورد عمل است و از اصول عقلی و استحسان‌ها و قیاس‌های متداول میان برخی متأخران از اصحاب قوی‌تر است، ولی چاره‌ای جز رعایت احوال رجال در هنگام جمع میان اخبار و تعارض میان آنها نیست.

در سخن علامه تأکید بر پیروی از روش قدما در اعتبارسنجی روایات مشاهده می‌شود و هرچند به اجمال از بین رفتن برخی از قرائن و ثوق به صحت حدیث را می‌پذیرد اما به وجود بسیاری از این قرائن نیز اشاره کرده و نسبت به اعتقاد شیخ بهایی مبنی بر فقدان تمام این قرائن انتقاد می‌کند و در نهایت اعتبار و مورد عمل بودن اکثر این روایات را نتیجه می‌گیرد. جالب این است که علامه در عین حال که روش متأخران را در انحصار اعتبارسنجی راوی محور، به نقد می‌کشند اما به جایگاه این روش در کنار قرائن دیگر تذکر می‌دهند.

با توجه به این بیان که نشان دهنده پیروی علامه از روش قدما در اعتبارسنجی حدیث است، می‌توان نتیجه گرفت شهرت عملی در دیدگاه ایشان معتبر و به عنوان قرینه‌ای مهم مطرح است چرا که این قرینه مورد قبول قدما بوده، از قضا در زمره مهمترین آنها است و مشهور فقها به نقش آن در جبران ضعف حدیث اذعان کرده‌اند (سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ۲/۲۷۳) بلکه عده‌ای با وجود شهرت عملی، بررسی سند حدیث را ضروری ندیده‌اند؛ (وحید بهبهانی، حاشیه مجمع الفوائد و البرهان، ۲۸۱؛ خوبی، مصباح الأصول، ۲/۴۴۳؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۳۶) و حتی تأثیر شهرت عملی تا جایی معرفی شده که برخی فقها مرتبه حدیث معتضد به آن را بالاتر از حدیثی دانسته‌اند که سندش صحیح است. مرحوم وحید بهبهانی می‌نویسد:

«الْخَيْرُ الْمَنْجَبُ بِعَمَلِ الْأَصْحَابِ أَقْوَى مِنَ الصَّحِيحِ - مِنْ حَيْثُ هُوَ صَحِيحٌ - بِمِرَاتَبِ شَيْءٍ، وَبِالْقَبُولِ أُخْرَى» (وحید بهبهانی، الفوائد الحائریة، ۱۴۳)؛ روایت جبران شده به عمل علما بسیار قوی‌تر و پذیرفته‌تر از حدیث صحیح سندی صرف می‌باشد.

این مطلب از تعلیل علامه در پاسخ به اشکال (محقق حلی، المعتبر فی شرح المختصر، ۱/۳۵۲) محقق حلی به ضعف سندی حدیثی، به دست می‌آید آن‌جا که همسویی شهرت با خبر ضعیف را دلیل بر اولویت عمل به آن دانسته می‌نویسد:

«لَا يَخْفَى أَنَّ كَلَامَهُ مَتِينٌ لَكِنْ لِكَوْنِ ضَعْفِ الْخَيْرِ مَنْجِباً بِالشُّهْرَةِ، الْأَوْلَى الْعَمَلُ بِالمَشْهُورِ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴/۱۵۳)؛ کلام ایشان [محقق] خوب است اما به جهت جبران ضعف خبر با شهرت بهتر است به مشهور عمل شود.

مشاهده می‌شود علامه در پاسخ به محقق با این تعلیل که ضعف خبر با شهرت عملی جبران شده معتقد است باید فتوا بر اساس آن را در اولویت قرار داد. با توجه به اینکه در بیان علامه دلیل دیگری برای تقویت حدیث مذکور دیده نمی‌شود، این تعلیل به خوبی نشان می‌دهد که شهرت عملی به عنوان قرینه‌ای مهم در نظر علامه مطرح است که با وجود آن حتی می‌توان به خبری ضعیف رنگ حجیت داد و آن را مستندی برای حکم فقهی در نظر گرفت.

عبارت دیگری از علامه وجود دارد که می‌تواند مؤید نگاه کلی علامه باشد. ایشان ذیل حدیثی مرسل در باب معاملات و بعد از اشاره به شهرت مفاد حدیث، میان فقها اگرچه احتمالاتی را در حکم مربوطه مطرح می‌کند اما در نهایت می‌نویسد:

«العملُ بالخبرِ المنجبرِ ضَعْفُهُ بالشُّهْرَةِ لَعَلَّهُ أَظْهَرُ» (مجلسی، ملاذالأخيار، ۱۱/۴۴۲)؛ چه بسا عمل طبق روایتی که ضعفش با شهرت جبران شده ظاهرتر است.

همین مسأله در «مرآة العقول» نیز آمده است که علامه از اولویت حکم طبق حدیث ضعیفی که با شهرت جبران شده سخن گفته است (مجلسی، مرآة العقول، ۱۹/۱۷۱). با توجه به اینکه در دو مورد اخیر، روایات مربوطه از جهت سند ضعف‌هایی دارد و دلیل محکم دیگری غیر از شهرت فقها برای اولویت و اظهاریت حکم، مطرح نشده است گویا همین شهرت عملی باعث شده مفاد روایت ضعیف در اولویت قرار گیرد که می‌تواند نشان‌دهنده نقش مهم شهرت عملی در دیدگاه علامه مجلسی باشد. بر همین اساس مشاهده می‌شود علامه در بیان انواع حدیث از روایتی که با شهرت عملی تقویت شده است تعبیر به «حدیث مقبول» کرده می‌نویسد: «و إن عمل به الأصحاب أو أكثرهم فمقبول» (مجلسی، ملاذالأخيار، ۱/۲۱)؛ اگر تمام فقها با بیشتر ایشان به [حدیث واحد] عمل کنند مورد قبول خواهد بود.

۴-۲. مواجهه عملی علامه با شهرت عملی

با مراجعه به آثار علامه اگر معلوم شود ایشان در موارد مختلف، نسبت به شهرت عملی رفتار به خصوصی داشته است، می‌توان نسبت به دیدگاه ایشان در نقش شهرت عملی به نتایجی دست یافت. بررسی میدانی در کتب سه‌گانه علامه نشان می‌دهد که ایشان در موارد متعددی در توضیح و تشریح احادیث شریفه از انجبار، تأیید، اعتضاد و صحت برخی احادیث به کمک شهرت عملی سخن به میان آورده است که این تعابیر نشان‌دهنده نگاه و شیوه اعتبارسنجی ایشان نسبت به احادیث بوده و با توجه به آنها یک مبنای کلی در نگاه علامه در این زمینه حاصل می‌شود.

در سخنان علامه این مطلب به دو شکل دیده می‌شود که تأمل در هر کدام می‌تواند به نوبه خود قاعده کلی نگاه ایشان را به تصویر کشد. به بیان دیگر برخی از این عبارات صریح در قبول نقش شهرت عملی در تقویت حدیث است و می‌تواند به عنوان دلیل مطرح باشد. اما عبارات دیگر اگرچه به تنهایی برای استدلال کافی نیست اما به عنوان مؤید می‌تواند به استحکام مطلب کمک کند.

۴-۲-۱. عبارات خود علامه مجلسی

علامه مجلسی در مواردی متعدد از تبیین روایات، به جبران ضعف احادیث با عمل اصحاب اشاره می‌کند که این رفتار نشانگر قبول این مبنا در نظرگاه ایشان است. در ادامه برای جلوگیری از إطناب سخن در دو بخش به تعدادی از این موارد اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱-۱. تأکید به جبران ضعف حدیث با شهرت عملی

برخی از عبارات علامه مجلسی در تبیین احادیث، به گونه‌ای است که علاوه بر اشاره به وجود شهرت عملی نسبت به حدیث، بر تقویت و جبران ضعف آن تأکید شده که در ادامه مواردی را ذکر می‌کنیم:

۴. در موسوعه «مرآة العقول» و در بابی از «کتاب الجنائز» بعد از اشاره به حدیثی، نسبت به ضعف آن می‌نویسد: «ضَعْفُهُ مُنْجِبٌ بِعَمَلِ الْأَصْحَابِ عَلَيَّ مَا هُوَ ذَائِبُهُمْ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۳۰/۱۴)؛ ضعف روایت با عمل اصحاب جبران می‌شود بنابر آنچه روش فقها است.

۵. در «بحار الأنوار» بعد از اشاره به حدیثی از «سکونی» آمده است: «عَمِلَ بِهَا الْأَصْحَابُ فَضَعَّفُهَا مُنْجِبٌ بِهَا» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۲۲/۸۵)؛ فقها به این روایت عمل کرده‌اند در نتیجه ضعف آن جبران شده است.

۶. علامه در همان کتاب، بعد از بیان علت اختلاف روایات و کیفیت جمع بین آنها، به نقل روایتی توسط شیخ صدوق و مرحوم کلینی اشاره کرده می‌نویسد: «ضَعْفُهُ مُنْجِبٌ بِعَمَلِ الْأَصْحَابِ»؛ (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۲۲/۲) ضعف آن با عمل اصحاب جبران می‌شود.

۷. در کتاب «ملاذ الأخیار» ذیل روایتی در کیفیت تطهیر آب چاه بعد از اشاره به اشکال عده‌ای نسبت به سند حدیث می‌نویسد: «أَنَّ زُوَّائِهَ وَ إِن كَانَتْ فَطْحِيَّةً لَكِنَّهَا ثِقَاتٌ، فَيَعْمَلُ بِمَا رَوَوْهُ مَعَ سَلَامَتِهِ عَنِ الْمُعَارِضِ وَ إِعْتِضَادِهِ بِعَمَلِ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۳۰۴/۲)؛ روایان حدیث اگرچه فطحی هستند اما موثقند در نتیجه روایات آنها در صورت نبود معارض و تقویت با عمل اصحاب، قبول می‌شود.

۸. و نیز درباره حدیثی ضعیف در مقدار کفاره کشتن روباه یا خرگوش در حج آمده است: «الْخَبْرُ الْأَوَّلُ مَعَ تَأْيِيدِهِ بِالشَّهْرَةِ الْكَامِلَةِ لِعَلَّهُ يَكْفِي لِثُبُوتِ الْحُكْمِ فِيهِ» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۲۷۷/۸)؛ چه بسا خبر اول با شهرت کاملی که مؤید آن است برای ثبوت حکم کافی باشد.

۹. همچنین بعد از اشاره به روایتی از «الخصال» شیخ صدوق درباره کیفیت گذاشتن میت در قبر (صدوق، ۶۰۴/۲) آمده است: «وَ لَا بَأْسَ بِالْعَمَلِ بِهِ لِشَهْرَةِ مَضْمُونِهِ بَيْنَ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۵۲۹/۲)؛ مشکلی در عمل به این روایت نیست چون مضمونش در میان اصحاب مشهور است.

شیخ صدوق اگرچه این روایت را با پنج طریق از «أعمش» نقل کرده اما همه آنها به خاطر وجود «أحمد بن یحیی بن زکریا القطان» و «تمیم بن بهلول» که در کتب معتبر رجالی نامی از آنها نیامده

ضعیف است. همچنین «بکر بن عبد الله بن حبيب» در سند دیده می‌شود که وثاقتش ثابت نیست. (نجاشی، ۱۰۹)

۱۰. علامه در تبیین حدیث مرسلی که مربوط به طهارت یا نجاست اعضای جدا شده از انسان است می‌نویسد: «كَانَ ضَعْفُهُ مَنْجِبًا بِالشُّهْرَةِ بَيْنَ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، ملاذالْأَخْيَارِ، ۳/۲۲۵)؛ ضعف حدیث با شهرت بین اصحاب جبران می‌شود.

۱۱. در سی‌وششمین حدیث از احادیث مربوط به احکام سهو در نماز بعد از تذکر به اینکه راوی حدیث؛ یعنی «موسی بن عیسی» مجهول است اینچنین آمده است: «هَذَا الْخَبْرُ مَعَ إِنْجَابِ ضَعْفِهِ بِالشُّهْرَةِ يَنْفَعُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْمَوَاضِعِ» (مجلسی، ملاذالْأَخْيَارِ، ۴/۵۵۴)؛ این حدیث با جبران ضعفش توسط شهرت در فروع زیاد سودمند است.

۱۲. علامه در بابی از «المَعِيشَةُ» نسبت به حدیثی ضعیف می‌نویسد: «ضَعْفُهَا مَنْجِبٌ بِالشُّهْرَةِ بَيْنَ قُدَمَاءِ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، ملاذالْأَخْيَارِ، ۱۹/۲۱۰)؛ ضعف حدیث با شهرت بین قدمای اصحاب جبران می‌شود.

۱۳. «بحارالأنوار» نیز از این موارد خالی نبوده و علامه در بابی مرتبط با صید و ذبائح بعد از نقل روایاتی می‌نویسد: «ضَعْفُ الرِّوَايَاتِ فِي هَذَا الْبَابِ مَنْجِبٌ بِالشُّهْرَةِ بَيْنَ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، بحارالأنوار، ۶۲/۲۵۸)؛ ضعف روایات در این باب با شهرت بین اصحاب جبران می‌شود.

۱۴. در جایی دیگر از «بحارالأنوار» ذیل روایتی بعد از اشاره به اشکال برخی فقها به آن، چنین آمده است: «أُجِيبَ بِأَنَّ ضَعْفَهَا مَنْجِبٌ بِالشُّهْرَةِ»؛ (مجلسی، بحارالأنوار، ۸۶/۱۰۲) پاسخ داده می‌شود که ضعف روایت با شهرت جبران می‌شود.

۱۵. حدیثی مفصل در باب «الصید و الذبائح» آمده است که ضعفش به جهت ارسال سند است، اما علامه نسبت به آن می‌نویسد: «ضَعْفُهَا مَنْجِبٌ بِالشُّهْرَةِ» (مجلسی، ملاذالْأَخْيَارِ، ۱۴/۳۹۱)؛ ضعف آن با شهرت جبران شده است.

۱۶. علامه در بحثی پیرامون کیفیت قسم خوردن با اشاره به استناد فقها به حدیثی که ضعیف است چنین می‌نویسد: «إِنْ كَانَ ضَعِيفًا لَكِنَّهُ مَنْجِبٌ بِالشُّهْرَةِ بَيْنَ الْأُمَّةِ»؛ (مجلسی، مرآة العقول، ۱۱/۴۱)

۱۷. از مباحثی که اقوال مختلف در آن مطرح است، جواز عدول از دو سوره «توحید» و «جدد» به سوره «جمعه» در روز جمعه است. علامه بعد از طرح نظرات مختلف، ترجیح را با حکمی می‌داند که از حدیثی ضعیف سند اما تقویت شده با مشهور به دست می‌آید و می‌نویسد: «لَا يَبْعُدُ كَوْنُ هَذَا الْخَبْرِ بِانضمامِ الشُّهْرَةِ بَيْنَ الْقُدَمَاءِ وَ الْمَتَأَخِّرِينَ كَافِيًا فِي إِثْبَاتِهِ» (مجلسی، بحارالأنوار، ۸۲/۱۷)؛ بعید نیست این روایت با قرار گرفتن کنار شهرت متقدمان و متأخران در اثبات حکم کافی باشد.

۱۸. حدیث ضعیفی دربارهٔ افضلیت انجام غسل جمعه در نزدیکی زوال، نقل شده است که علامه با اشاره به تقویت آن با شهرت اصحاب، حکم آن را ترجیح می‌دهد. ایشان در انتها می‌نویسد: «لعلَّ هذا الخبر مع الشهرة بين القدماء يكفي لذلك». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۲۶/۷۸)
۱۹. علامه مجلسی در مسأله‌ای مربوط به رعایت قبله در نماز، به لزوم احتیاط در فتوا اشاره کرده می‌نویسد: «و الحقُّ أنَّ المسألة لا تخلو من إشكالٍ إذ الأخبار متعارضةٌ وإن رجحت الأخبار الأوَّلُ بقوة أسانیدها و كثرتها فالأخبار الأخيرة معتضدةٌ بالشهرة بين القدماء...» (مجلسی، بحار الأنوار، ۵۲/۸۱)؛ حکم این مسأله خالی از اشکال نیست چون روایات متعارضند و اگرچه دسته اول به خاطر قوت سند و کثرت نقل رجحان دارند اما روایات دیگر نیز با شهرت بین قدما تقویت شده‌اند. این عبارت نشان می‌دهد شهرت عملی اصحاب تا جایی اهمیت دارد که با انضمامش به دسته‌ای از روایات می‌تواند دسته دیگر را که هم قوت سند و هم کثرت نقل دارد به چالش بکشد.
۲۰. علامه بعد از نقل احادیثی در باب احکام مربوط به شک در نماز می‌نویسد: «نعم الخبر الأوَّلُ وإن لم يكن صحيحاً لكنّه مؤيدٌ بالشهرة بين الأصحاب» (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۱۰/۸۵)؛ روایت اول اگرچه صحیح نیست اما با شهرت فقها تأیید می‌شود.
- ظاهر چنین عباراتی که به تعدادی از آنها اشاره شد به خوبی نشان می‌دهد علامه مجلسی نقش شهرت عملی در جبران ضعف حدیث را اساسی می‌داند و با استناد به آن، احادیث زیادی را در مسیر استنباط حکم قرار داده است. دلالت موارد ذکر شده بر قبول جایگاه شهرت عملی در نگاه علامه با توجه به تأکیدی که در آنها نسبت به جبران ضعف حدیث دیده می‌شود بسیار روشن است.
- ۴-۱-۲. صرف اشاره به وجود شهرت عملی نسبت به حدیث ضعیف**
- اکنون به مواردی اشاره می‌شود که علامه در توضیح حدیث، تنها به وجود شهرت عملی نسبت به حدیث اشاره کرده است. این موارد اگرچه به جهت عدم تصریح به جابریت آنها حظّ کمتری از دلالت، نسبت به موارد بخش قبل دارد اما با توجه به اینکه ایشان در مقام تبیین حدیث، عمل اصحاب به آن را ذکر کرده‌اند می‌تواند قرینه خوبی بر جایگاه شهرت عملی در دیدگاه ایشان باشد و اگر عمل اصحاب، در تقویت روایت بی‌تأثیر بود دلیلی نداشت در توضیح حدیث به آن اشاره شود.
۲۱. علامه بعد از اشاره به ضعف سند حدیث ابوبصیر که از امام صادق می‌پرسد: «الْمَرْأَةُ تَمُوتُ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا قَالَ رَجُلٌ قَالَ قُلْتُ الرَّوْجُ أَحَقُّ مِنَ الْأَبِّ وَالْوَالِدِ وَالْأَخِ قَالَ نَعَمْ وَ يَغْسَلُهَا» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۲۰۵/۳) می‌نویسد: «عليه عملُ الأصحاب و فتواهم في الصلاة» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۳۷۸/۵)؛ عمل و فتوای اصحاب در نماز طبق این روایت است.

۲۲. علامه در باب بیستم از ابواب نکاح نسبت به حدیث هشتاد و یکم آن^۱، حکم به مجهول بودن - که از اسباب ضعف سند حدیث شمرده شده است - کرده و در ادامه می‌فرماید: «علیه عملُ الاصحاب» (مجلسی، ملاذالآخیر، ۴۷۱/۱۲)؛ اصحاب به آن عمل کرده‌اند. در این حدیث شریف، فردی به نام «علی بن أحمد بن اَشْتِیم» حضور دارد که اگرچه بعضی از محققان به خاطر روایت برخی از راویان جلیل القدر (مظاهری، ۲۵۳) از ایشان و اینکه در زمره راویان «کامل الزیارات» (مرتضی، ۱۹/۲) است حکم به وثاقت وی کرده‌اند، اما به تبع شیخ طوسی (طوسی، رجال طوسی، ۳۶۳) بسیاری از عالمان او را مجهول دانسته‌اند. (حلی، ۲۳۲؛ تفرشی، ۲۲۷/۳؛ قهپایی، ۱۶۳/۴؛ اردبیلی، ۵۵۳/۱؛ شوشتری، ۳۵۳/۷)

۲۳. علامه مجلسی همچنین در مورد حدیث پنجاهم (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۸/۱۰) از باب مربوط به حدود زنا بعد از اشاره به ضعف حدیث که به جهت وجود «علی بن حدید» (حلی، ۲۳۴) در سند آن است، می‌نویسد: «اصحاب طبق این حدیث عمل نموده‌اند». (مجلسی، ملاذالآخیر، ۳۶/۱۶)

۲۴. در کتاب الحج از موسوعه «مرآة العقول» باب نوادر آن حدیثی آمده است که یکی از اصحاب امام کاظم به نام هشام مکاری از ایشان درباره تکلیف قربانی به هنگام گرانی و سپس نایابی آن سؤال نمود (مجلسی، ۲۸۲/۸). امام در پاسخ او نوشتند: «انظُرُوا التَّمَنَ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ ثُمَّ تَصَدَّقُوا بِمِثْلِ ثُلُثِهِ»؛ (کلینی، ۵۴۴/۴) قیمت اولی و دومی و سومی را در نظر بگیرید و به مقدار یک سوم مجموع آنها صدقه بدهید. علامه مجلسی بعد از اشاره به اینکه حدیث مجهول است و برای تقویت آن اشاره به عمل اصحاب بر طبق آن می‌فرماید. (مجلسی، مرآة العقول، ۲۵۱/۱۸)

۲۵. حدیث مجهول دیگری که علامه از عمل اصحاب به آن خبر داده است در بابی از «کتاب الحدود» آمده است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۸۴/۲۳).

موارد دیگری از سخنان علامه که می‌تواند در این بخش مورد توجه قرار گیرد در جای جای کتب ایشان قابل دستیابی است که به جهت جلوگیری از إطالة کلام به چند مورد ارجاع داده می‌شود. (مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۲۵۱/۱۸؛ ۳/۱۳)، (ملاذ الآخیر فی فهم تهذیب الأخبار، ۳۷۸/۵؛ ۳۴۶/۲) و (بحار الأنوار، ۲۵۳/۲)

۲-۲-۴. گزارش علامه از استناد فقیهان بزرگ به شهرت عملی

علامه در توضیح و تبیین برخی روایات، بعد از اشاره به اختلالات و ضعف‌های موجود در آنها، به گزارش سخن برخی از فقهای برجسته معاصر یا قبل از خود پرداخته که در آنها به جبران این ضعف‌ها اشاره شده است و از آنجایی که در مقام تبیین حدیث بوده و در عین حال با سخن ایشان مخالفتی نشان نداده است می‌توان این نقل قول‌ها را مؤیدی بر همراهی وی با نظر فقهای مذکور تلقی کرد. در

۱. البته این روایت در کتاب تهذیب الاحکام با رقم ۸۲ مشخص شده است. (طوسی، تهذیب الأحکام، ۴۶۸/۷)

ادامه به تعابیر بزرگانی چون محقق حلی (۵۶۷۶.ق.)، شهید اول (۵۷۸۶.ق.)، شهید ثانی (۵۹۶۶.ق.)، شیخ بهایی (۵۱۰۳۰.ق.) و مجلسی اول (۵۱۰۷۰.ق.) اشاره می‌شود:

۱. علامه مجلسی در بحث دیه گوش‌ها به عبارتی از محقق حلی اشاره کرده می‌نویسد:

«قال فی الشَّرَائِعِ (محقق حلی، شرایع الإسلام، ۲۴۶/۴): الأذنانِ فیهِمَا الدِّیَةُ... و فی شَحْمَتِهَا تُلْتَمَسُ دِیَتُهَا عَلٰی رِوَایَةٍ فِیْهَا ضَعْفٌ لٰکن تَعَضُّهَا الشُّهْرَةُ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۳۳/۲۴)؛ محقق در «شرایع» می‌گوید: برای دو گوش دیه کامل و... و در نرمی گوش یک سوم دیه جاری است بنا بر روایتی که دچار ضعف بوده اما شهرت فقها تقویت کننده آن است.

مراد محقق حلی روایتی^۲ است که در کتاب «الکافی» از «مسمع بن عبد الملک» نقل شده (نجفی، ۲۰۱/۴۳) و در سند آن افرادی مثل «محمد بن حسن بن شمون» و «عبدالله بن عبدالرحمان بن اصم» مورد طعن قرار گرفته‌اند (نجاشی، ۳۳۵؛ طوسی، رجال طوسی، ۴۰۲؛ نجاشی، ۲۱۷؛ حلی، ۲۳۸). محقق حلی جبران ضعف این حدیث را با عمل فقها به مضمون آن پذیرفته در نتیجه حدیث را قبول دارد. علامه مجلسی با گزارش عملکرد ایشان و عدم اعتراض به آن، گویا رفتار محقق را تأیید کرده است.

۲. گزارش علامه از شهید اول در کتاب شریف «بحار الأنوار» در باب غسل میت مسلمان توسط کافر است:

«قال فی الذِّکْرِی (شهید اول، ۳۱۰/۱): لا أَعْلَمُ لِذٰلِکَ مُخَالَفًا مِنَ الْأَصْحَابِ إِلَّا الْمُحَقِّقَ فِی الْمُعْتَبَرِ (محقق حلی، المعْتَبَرُ فِی شَرْحِ الْمُخْتَصَرِ، ۳۲۵/۱) مُحْتَجًّا بِتَعَدُّرِ النِّیَّةِ مِنَ الْکَافِرِ مَعَ ضَعْفِ السَّنَدِ وَ جَوَابُهُ مَنَعُ النَّیَّةِ هُنَا وَ الْاِکْتِفَاءُ بِنِیَّةِ الْکَافِرِ کَالْعِتْقِ وَ الضَّعْفُ مُنْجِبٌ بِالْعَمَلِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۹۶/۷۸)؛ شهید در «ذکری» می‌گوید: برای این حکم مخالفی در میان اصحاب سراغ ندارم مگر محقق در «المعتبر» که به تعدر نیت از جانب کافر و ضعف سند حدیث احتجاج کرده و پاسخش این است که در این مورد نیت لازم نیست و همچون باب عتق به نیت کافر اکتفا می‌شود و ضعف حدیث هم با عمل اصحاب جبران می‌شود.

دو حدیث مورد توجه محقق حلی بوده که ضعف سند روایت اول (طوسی، تهذیب الأحکام، ۳۴۰/۱؛ حر عاملی، ۵۱۵/۲) به جهت حضور افرادی مثل «أحمد بن حسن بن علی بن فضال» (طوسی، الإستبصار، ۲۰۳/۱)، «عمرو بن سعید»، «مصدق بن صدقة» و «عمار بن موسی» در میان راویان آن است که همه آنها در زمره فطحی مذهب‌ان هستند. در سند روایت دوم (طوسی، الإستبصار، ۲۰۳/۱) نیز «عمرو بن خالد» زیدی مسلک (طوسی، رجال طوسی، ۱۴۲) دیده می‌شود که به زعم محقق موجب ضعف آن است. شهید اول در «الذکری» بعد از گزارش سخن محقق، عمل فقها را جبران کننده آن دانسته است.

۲. امام صادق در این حدیث می‌فرماید: «إِنَّ عَلِيًّا قَضَى فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ ثُلْثَ دِيَةِ الْأُذُنِ». (کلینی، ۳۳۳/۷)

البته راویان حدیث اول اگرچه فطحی هستند، اما تصریح به وثاقت آنها در کتب رجالی وجود دارد. (طوسی، فهرست، ۵۹؛ کشی، ۶۱۲؛ نجاشی، ص ۲۸۷؛ کشی، ص ۵۶۳؛ کشی، ص ۳۴۵) در نتیجه این حدیث، موثق و معتبر بوده و گویا در نقد دیدگاه محقق می‌توان به عدم ضعف حدیث اشاره کرد. اما مهم آن است که شهید اول در عین قبول ضعف حدیث، آن را منجر با عمل علما دانسته که این رفتار نشان دهنده قبول جبران ضعف حدیث با شهرت عملی در دیدگاه ایشان است. گزارش علامه مجلسی از کلام شهید و عدم مخالفت با آن می‌تواند نشان از همراهی ایشان با نظر شهید باشد.

۳. ارجاعات علامه به نظرات شهید ثانی عموماً به کتاب «مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام» ایشان می‌باشد. حدیثی از «حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ» در «ملاذ الأخیار» نقل است که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أُوْدَعَهُ رَجُلٌ مِنَ اللُّصُوصِ دَرَاهِمَهُ أَوْ مَتَاعاً وَ اللُّصُّ مُسْلِمٌ هَلْ يَرُدُّ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَا يَرُدُّهُ.» (طوسی، تهذیب الأحکام، ۷/۱۸۰)؛ از امام صادق پرسیدم اگر سارق مسلمان، درهم یا مالی را نزد مسلمانی دیگر به ودیعه گذارد، آیا لازم است آن فرد، ودیعه را به سارق برگرداند؟ امام فرمودند: لازم نیست به او بازگرداند.

۴. امام در ادامه می‌فرماید اگر امکانش باشد باید مال را به صاحب اصلی برگرداند و الا حکم مال گم شده را دارد. علامه در شرح این حدیث عبارتی از شهید در مسالک (شهید ثانی، ۹۹/۵) را می‌نویسد:

«المشهور العمل بهذا الخبر و ضعفه منجبر بالشهرة» (مجلسی، ملاذ الأخیار، ۱۱/۳۲۱)؛ مشهور عمل به این روایت است و ضعف آن هم با همین شهرت جبران می‌شود. عدم ابراز مخالفت علامه مجلسی با نظر شهید با توجه به اینکه سخن ایشان را در تبیین حدیث آورده‌است می‌تواند مؤیدی بر همراهی وی با آن باشد.

۵. در کتاب «مرآة العقول» و در باب احکام مربوط به آب حمام عبارتی از شیخ بهایی آمده‌است: «قال في الحبل المتين (شيخ بهایی، الحبل المتين في احكام الدين، ۱۱۵):... إشتراط المادّة مُسْتَفَادٌ مِنْ رَوَايَةِ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۳ وَ ابْنِ الْحَبِيبِ وَ إِنْ كَانَ مَجْهُولَ الْحَالِ إِلَّا أَنَّ جَمَاهُورَ الْأَصْحَابِ تَلَقَّوْا رَوَايَتَهُ هَذِهِ بِالْقَبُولِ فَلَعَلَّ ضَعْفَهُ مَنْجَبٌ بِذَلِكَ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۳/۴۸)؛ شیخ بهایی در «حبل المتين» می‌نویسد:... شرط ماده داشتن آب از روایت «بکر بن حبیب» از امام باقر استفاده می‌شود که اگرچه مجهول است اما عموم فقها روایتش را قبول کرده‌اند و چه بسا ضعفش به این صورت جبران شده باشد.

اگرچه برخی شیخ بهایی را در مقام توثیق «بکر بن حبیب» می‌دانند (مظاهری، ۸۰) اما عده‌ای معتقدند ایشان، «بکر» را مجهول می‌داند (مامقانی، ۴۰۹/۱۲) و اشاره‌ی وی حاکی از جبران ضعف سند با عمل اصحاب و قبول روایت است نه وثاقت راوی آن. از این عبارت شیخ بهایی به دست می‌آید که

۳. امام باقر: «مَاءُ الْحَمَامِ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَتْ لَهُ مَادَّةٌ». (کلینی، ۱۴/۳)

ایشان نسبت به جبران ضعف حدیث با عمل مشهور دیدگاهی مثبت دارد. علامه مجلسی نیز با اشاره به فرمایش ایشان و عدم رد و نقد نسبت به آن ضمن بیان نظر شیخ بهایی همسویی خود با این دیدگاه را نشان داده است.

۶. علامه مجلسی که همیشه با تعابیر زیبا و در کمال احترام از پدر یاد می‌کند ذیل حدیثی در باب طلاق از ایشان عبارتی آورده است که جبران ضعف حدیث با عمل اصحاب را نشان می‌دهد: «و الضَّعْفُ مَنْجِبٌ بِعَمَلِ الْأَصْحَابِ» (مجلسی، ملاذالْأَخْيَار، ۸۳/۱۳)؛ ضعف روایت هم با عمل اصحاب جبران می‌شود.

علامه حدیث را در «ملاذالْأَخْيَار» با چنین گزارشی آغاز کرده است: «...فِي الرَّجُلِ يُقَالُ لَهُ أَطْلَقَتْ إِمْرَأَتَكَ؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ. قَالَ: قَالَ: قَدْ طَلَّقَهَا حَيْثُ نَدَيْتُهَا» (طوسی، تهذیب الأحكام، ۳۸/۸)؛... در باره مردی که از او پرسیده می‌شود آیا همسرت را طلاق دادی؟ و او پاسخ می‌دهد: بله. امام فرمود: در این هنگام زنش را طلاق داده است.

علت ضعف حدیث فوق، وجود «سکونی» در سند آن است که تتبع در کتب رجالیان تفاوت دیدگاه درباره مذهب و وثاقت وی را روشن می‌سازد؛ برخی قائل به تشیع او بوده (مازندرانی، ۴۲/۲) اما به نقل استرآبادی مشهور علما، معتقد به عامی بودن (حلی، ۱۹۹؛ ابن داود، ۴۲۶) و ضعف سکونی هستند (استرآبادی، ۳۰۷/۲). در این میان برخی به توثیق او پرداخته‌اند (حر عاملی، ۳۱۸/۳۰؛ مامقانی، ۳۹۰/۹؛ نمازی شاهرودی، ۶۱۳/۱-۶۱۶) ولی آنچه براساس نقل شیخ طوسی صحیح به نظر می‌رسد، قبولی روایات وی می‌باشد (طوسی، عدة الاصول، ۱۴۹/۱؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۰۹/۳-۱۰۵؛ مرتضی، ۱۸۶/۱؛ مازندرانی، ۴۵/۲؛ کاظمی، ۲۷۶/۱). بنابراین اعتقاد به ضعف این روایت درست به نظر نمی‌رسد، اما مهم اذعان مجلسی اول به تأثیر عمل فقها در جبران ضعف حدیث است و حدیثی که ایشان به ضعفش اعتقاد دارد با عمل اصحاب مورد قبول واقع شده است.

اینکه علامه مجلسی کلام پدر و سایر گزارش‌های قبلی را در مقام تبیین احادیث و بیان حکم متَّخَذَ از آنها آورده و در عین حال اشکالی به سخن آنها وارد نکرده می‌تواند قرینه‌ای بر همسویی وی با نظر ایشان باشد.

نتیجه گیری

مطالعه آثاری مانند: «بحار الأنوار»، «ملاذالْأَخْيَار» و «مرآة العقول» از علامه محمدباقر مجلسی و تحلیل میدانی سخنان ایشان و گزارش استنادات وی در این آثار می‌تواند از شیوه رفتاری وی نسبت به جایگاه شهرت عملی در جبران ضعف حدیث و تقویت آن در منظر ایشان به نتایج زیر دست یافت:

۱. تصریح علامه مجلسی به فراهم بودن شرایط بررسی قرائن مؤثر در اطمینان به صدور حدیث که همان شیوه فقها و محدثان متقدم شیعه است.

۲. اهمیت بررسی سند حدیث در دیدگاه علامه هنگامی است که تعارضی بین روایات وجود داشته باشد.

۳. علامه، شهرت عملی را به عنوان قرینه‌ای مهم برای جبران ضعف حدیث پذیرفته و بر اساس آن برخی نظرات فقهی خود را بیان نموده است.

منابع

۱. ابن داود، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۲. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأَسناد، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۳. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۲ ق.
۴. باقری، حمید، «شهرت و جبران ضعف سند: نگاهی به دیدگاه وحید بهبهانی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و نهم، ش ۲، صفحه ۲۱۳-۲۳۰، ۱۳۹۵ ش.
۵. بزرگ، مهدی، «ملاک پذیرش خبر و تأملی بر دیدگاه آیت الله خویی (ره)»، فقه، سال هجدهم، ش ۶۸، صفحه ۹۶-۱۲۷، ۱۳۹۰ ش.
۶. بهرامی نژاد، علی؛ موسوی بجنوردی، سید مصطفی، «حجیت شهرت فتوایی قدما با رویکردی به آرای امام خمینی»، پژوهشنامه متین، سال هفدهم، شماره ۶۹، صفحه ۷۳-۹۶، ۱۳۹۴ ش.
۷. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۷ ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۹. حسینی، سید علیرضا، «پیشینه اعتبارسنجی در شیعه و جایگاه سند در آن»، رهنامه پژوهش، سال دوازدهم، صفحه ۶۸-۷۴، ۱۳۹۵ ش.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال فی علم معرفة الرجال، نجف، دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۱۲. -----، مصباح الفقاهه، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۱۳. -----، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، قم، مؤسسه الإمام الصادق(ع)، ۱۴۲۹ ق.
۱۵. -----، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۱۶. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، جماعة المدرسین، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. شهید ثانی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.

١٨. شيخ بهايي، محمد بن حسين، الحبل المتين في أحكام الدين، قم، كتابفروشي بصيرتي، ١٣٩٠ق.
١٩. -----، مشرق الشمسين و إكسير السعادتين، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٤ق.
٢٠. صدوق، محمد بن علي، الخصال، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ش.
٢١. طريحي، فخرالدين، معجم البحرين، تهران، مرتضوى، ١٣٧٥ش.
٢٢. طوسى، محمد بن حسن، الاستبصار فى ما اختلف من الأخبار، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٩٠ق.
٢٣. -----، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٢٤. ----- رجال الطوسى (الأبواب)، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٣٧٣ش.
٢٥. -----، عدة الاصول، قم، محمد تقى علاقبندان، ١٤١٧ق.
٢٦. -----، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، قم، ستاره، ١٤٢٠ق.
٢٧. عاملى (شهيد اول)، محمد بن مكى، ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٩ق.
٢٨. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم، نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
٢٩. قهپايى، عنايت الله، مجمع الرجال، قم، اسماعيليان، ١٣٦٤ش.
٣٠. كشى، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
٣١. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٣٢. كاظمى، عبدالنبي، تكملة الرجال، قم، انوارالهدى، ١٤٢٥ق.
٣٣. مازندراني حائرى، محمد بن اسماعيل، منتهى المقال فى أحوال الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤١٦ق.
٣٤. مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال فى علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٣١ق.
٣٥. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٣٦. -----، مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٤ق.
٣٧. -----، ملاذ الأخبار فى فهم تهذيب الأخبار، قم، كتابخانه آيه الله مرعشى نجف، ١٤٠٦ق.
٣٨. -----، لوايح صاحبقرانى، قم، اسماعيليان، ١٤١٤ق.

۳۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء(ع)، ۱۴۰۷ق.
۴۰. -----، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۴۱. مختاری، ابوطالب، رویکرد علامه مجلسی در اعتبارسنجی روایات بحار الانوار، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۹ش.
۴۲. مرتضی، بسام، زبدة المقال من معجم الرجال، بیروت، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۲۶ق.
۴۳. مشکینی، علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۶ق.
۴۴. مظاہری، حسین، الثقات الاخیار من رواة الاخبار، قم، مؤسسة الزهراء علیها السلام الثقافية الدراسية، ۱۴۲۸ق.
۴۵. مظفر، محمدرضا، اصول فقه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۴۶. نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ش.
۴۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
۴۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۹. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، فرزند مؤلف، ۱۴۱۴ق.
۵۰. وحید بهبهانی، محمداقبر، الفوائد الحائریة، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۵۱۵ق.
۵۱. -----، حاشیة مجمع الفوائد و البرهان، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ق.
۵۲. هاشمی شاهرودی، سید علی، دراسات فی علم الاصول(تقریرات اصولی آیت الله خویی)، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۹ق.